



سخن سردبیر: کژراهه های سوءمدیریت منابع انسانی؛ تباه خط مشی ها و کژخط مشی های

تعیین حقوق و دستمزد در هنگامه جنگ

علی اصغر پورعزت^۱

در هنگامه جنگ و اضطراب ملی، مفهوم «منابع انسانی» از حد یک مفهوم رایج سازمانی فراتر می رود و در قامت نقطه ثقل بقای جامعه و ستون تحکیم سازه های تمدنی، رخ نمایی می کند.

در چنین شرایطی، خط مشی گذاری برای تعیین حقوق و دستمزد، صرفاً تنظیم ترازنامه مالی یا توزیع اعتبارات اضطراری نیست؛ بلکه آزمونی سرنوشت ساز برای محک عقلانیت، پابندی به عدالت و سنجش میزان درایت کارگزاران و حکمرانان در صیانت از شأن و تاب آوری نیروی انسانی است؛ با این ملاحظه که هرگونه لغزش در این عرصه، مرزهای نارضایتی شغلی را درمی نوردد و مستقیماً به گسست انگیزه، فرسایش اعتماد عمومی و اختلال در تداوم خدمات حیاتی جامعه می انجامد.

سوءمدیریت منابع انسانی در وضعیت جنگی، در دو دامگاه آشکار می شود: کژخط مشی ها و تباه خط مشی ها. کژخط مشی ها محصول خطای راهبردی در شناخت و تحدید مسئله اند. این انحراف زمانی رخ می دهد که خط مشی گذاران کلان، اولویت های حکمرانی را درنیابند، جنگ را صرفاً پدیده ای تسلیحاتی و میدانی بپندارند و دلالت مفهوم «نیروی حیاتی جنگ» را فقط به رزمندگان خط آتش محدود سازند. در برابر این تقلیل گرایی زیان بار، این دیدگاه ژرف مطرح است که جنگ، آزمون پایداری هم زمان دو عرصه است: عرصه دفاع در پدافند و آفند نظامی، و عرصه دفاع زیستی و پیوستگی اجتماعی.

بی تردید مدافعان وطن در قلب این مقاومت ایستاده اند، اما در کنار آنان، کادر درمان و معلمان و خبرنگاران راوی حقائق جنگ، ستون پایه های تجدید قوای جسمی و روانی و روایتگر داستان زیبای پیوستگی بین نسلی در جامعه اند.

پزشکان و پرستاران و سایر اعضای کادر درمان، همگام با جنگاوران، در معرض شهادت و آسیب جسمی و روحی اند. معلمان و استادان پژوهشگر، فقط روایتگران کتب درسی نیستند، بلکه نگهبان عقلانیت، پناهگاه اضطراب نسل نو و عامل بازتولید امیدند. غفلت از جایگاه و معیشت آنان به بهانه مقتضیات مالی جنگ، نه یک صرفه جویی عقلانی، بلکه عاملی انتروپی افزا و تصمیمی کژنمون بوده، معطوف به تباه سازی سرمایه های انسانی حال و آینده است.

خبرنگاران، با گزارش واقع نما و امیدآفرین، از ستون های انکارناپذیر مقاومت محسوب می شوند؛ تعدا خبرنگاران شهید، حاکی از آن است که روایت جنگ، همگام با جنگ، اقتدار می آفریند. عامه مردم برخاسته و مبعوث شده ای که کوی و خیابان

استناد: پورعزت، علی اصغر (۱۴۰۵). سخن سردبیر: کژراهه های سوءمدیریت منابع انسانی؛ تباه خط مشی ها و کژخط مشی های تعیین حقوق و دستمزد در هنگامه جنگ. *ارزیابی و رشد سرمایه های انسانی*، ۳(۱)، الف-پ.

۱. استاد، گروه خط مشی گذاری عمومی، دانشکده علوم اداری و سازمانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. pourezat@ut.ac.ir رایانامه:



This Journal is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

ناشر: دانشکده مدیریت، دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری

ارزیابی و رشد سرمایه های انسانی، ۱۴۰۴، تابستان، دوره ۲، شماره ۲، ص. ۲-۱

شاپا: ۹۶۴۴۰

را به عرصه مقاومت تبدیل کرده‌اند و هر بار حضورشان، نمادی از مقاومت و گزاری از گذشت مادی، برای منافع جمعی است، نباید اسیر چرخ‌دنده‌های اقتصاد دشمن‌ساخته شوند. اقتصادی که جان‌مایه هویت علمی خود را از ایدئولوژی کاپیتالیسم گرفته و باید در گذار از ایدئولوژی و در تعهد به حقیقت، بازاندیشی و بازپردازی شود.

در ورای کژخط‌مشی‌ها، تباه‌خط‌مشی‌ها ظاهر می‌شوند؛ دال بر تصمیم‌هایی که منابع ملی را به هدر می‌دهند، ستون‌های تحکیم اقتدار ملی را تضعیف می‌کنند؛ خط‌مشی‌هایی که "چه با نیت خیر اتخاذ شوند و چه از سر غفلت و سوءتدبیر"، پدیدآورنده حوادثی شوم و طاقت‌فرسا و خاستگاه بحران‌هایی پایدارند.

نادیده‌گرفتن اهمیت جان‌فشانی نظامیان، پرستاران، معلمان، متخصصان و خبرنگاران و هنرمندان امیدآفرین جامعه در بحبوحه جنگ، علامت ناتوانی دستگاه اداری کشور در فهم اولویت‌هاست. بنابراین، در حالی که بقای کشور دستاورد جان‌فشانی جنگجویان دلاور و حامیان درمانگر جسم و روح آنان است، هرگز نباید سهم آنان از دستاورد بقای ملی، کمتر از سایر اقشار اجتماعی باشد.

جالب آنکه فرازهای صریح و زیبایی از نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک اشتر و دعای مرزداران در صحیفه سجاده و نحوه تقسیم غنائم جنگی در سنت نبوی، بنیان‌های ارزشی این دیدگاه را تقویت می‌کنند که "سهم حافظان امنیت جسمی و روحی، باید به مراتب بیش از گروه‌های اجتماعی مصون‌مانده از مخاطرات جنگ باشد" و نقطه کانونی توجه حکمرانان امور مالی جامعه، باید هوشمندانه معطوف به توانمندسازی اقشار گوناگون باشد؛ به طوری که در لابلای حوادث اجتماعی، هیچ‌یک از آحاد جامعه در فقر خانمان‌سوز، رها نشود و فراموش نگردد و تنها نماند؛ با این باور که "ما یک ملت، بلکه یک خانواده‌ایم".

نباید ضریب دشواری‌های طاقت‌فرسا و سطح مواجهه با مخاطرات را نادیده گرفت؛ نباید در تأمین آذوقه و مهمات جنگ تأخیر روا داشت؛ نباید رزمندگان و جان‌فدایان آبرومند را با دغدغه تأمین معیشت تنها گذاشت؛ و به‌ویژه باید با این ادعای فریبکارانه مقابله کرد که: «رزمندگان ما برای رضای حضرت حق می‌جنگند؛ پس مطالبه مالی ندارند!» این ادعای سفسطه‌آمیز، مصداق بارز آن کلامی است که گرچه ظاهری حق‌به‌جانب دارد، اما نیتی باطل در پی آن نهفته است؛ آری، جنگجویان ما در پی رضای حضرت حق و برای حفظ میهن، جان بر کف نهاده‌اند، اما «آنان در منزلت متعالی خودشکوفایی و ایثار برای یکتا خدا، هرگز نباید محتاج بندگان او شوند». بنابراین متولیان امر مدیریت حکیمانه منابع انسانی باید ابتکار عمل را در دست گیرند؛ از پرداخت‌های قطره‌چکانی، تأخیرهای مزمن و امتیازدهی‌های غیرشفاف پشت درهای بسته پرهیز کنند؛ آنان باید واقعیت کمبود و تورم جنگی را دریابند و با پرهیز از تصمیم‌های تضعیف‌کننده، از طراحی تباه‌خط‌مشی‌هایی که جبهه خودی را فرسوده و جبهه دشمن را تقویت می‌کنند، بپرهیزند. مخاطبان اصلی این نوشتار، سه گروه‌اند:

۱. حکمرانان و خط‌مشی‌گذاران کلان که باید دریابند بودجه سرمایه انسانی در زمان جنگ، هزینه مصرفی نیست، بلکه بنیان بازدارندگی ملی است.

۲. مدیران منابع انسانی که باید برخلاف کارگزاران منفعل دستورالعمل‌های انقباضی، ابتکار عمل را در دست گرفته، درمانگر فعال واقعیت‌های زیستی و بحران‌های روحی و معیشتی کارکنان و جان‌فدایان باشند.

۳. طراحان سیستم جبران خدمات که موظف‌اند الگوهای پرداختی را بر چهار پایه روشن بازپردازی کنند:

الف) الزامات بقای زیست جمعی؛

ب) میزان مواجهه هر گروه از کارکنان با مخاطره؛

ج) دشواری جایگزینی تخصص‌های کمیاب هر گروه از کارکنان؛

د) شدت آسیب ملی ناشی از تضعیف انگیزه و روحیه خدمت هر گروه از کارکنان.

در نهایت، خطامشی حقوق و دستمزد در جنگ، باید پاسخ‌گوی یک پرسش تعیین‌کننده باشد:

اگر فردا انگیزه و روحیه خدمت‌رسانی کارکنان یک بخش، در اثر دغدغه‌های معیشتی فروپاشیده شود، کدام شریان از حیات ملی

قطع خواهد شد؟

با تأکید بر اینکه حکمرانی هوشمند، عدالت در پرداخت را سنگر نخست تاب‌آوری ملی می‌داند؛ نیک‌سنجی که فروپاشی و

شکست آن از درون، فرجام دفاع در بیرون را نیز به مخاطره خواهد افکند.